



### هشدار درباره بازار پرندگان

جمشید محبت‌خانی، فرمانده یگان حفاظت محیط‌زیست درباره قاچاق حیات‌وحش گفته است که خریدوفروش حیات‌وحش هم در فضای حقیقی و هم در فضای مجازی اتفاق می‌افتد. به گزارش ایسنا، او ادامه داد: «افرادی که در کار قاچاق حیات‌وحش فعالیت می‌کنند، چه خریدار و چه فروشنده، هر دو مرتکب جرم شده‌اند. نگهداری حیات‌وحش نیز جرم محسوب می‌شود برای متخلفان پرونده قضایی تشکیل می‌شود.» محبت‌خانی گفت: «مردم اگر دیدند کسی حیات‌وحش زنده یا تاکسیدرمی در اختیار دارد، با سامانه ۱۵۴۰ تماس بگیرند یا اطلاعات را با محیط‌بانان پاسگاه‌های ما به اشتراک بگذارند. محیط‌بانان خود را فدا می‌کنند تا محیط‌زیست بهتری داشته باشیم و این کار برای مردم است. مردم هم به ما کمک کنند چون حیات‌وحش جزو منافع ملی ماست.» فرمانده یگان حفاظت محیط‌زیست، پرندگان شکاری را حوزه مهم قاچاق حیات‌وحش دانست: «قاچاقچیان پرندگان زنده گیری می‌کنند و با قیمت بالا در استان‌های بوشهر و استان‌های همجوار کشورهای عربی می‌فروشند. در این شرایط مردم اگر فرد یا باندهی را شناسایی کردند، به ما اطلاع دهند.»



### ۸ هزار ابتلا به سالک

رئیس اداره کنترل بیماری‌های زئونوز (بیماری‌های مشترک میان حیوان و انسان) وزارت بهداشت درباره وضعیت بروز انواع بیماری سالک در کشور، نسبت به «کالآزار» یا «لیشمانیوز احشایی» که از سگ‌ها به انسان منتقل می‌شود، هشدار داد. به گزارش ایسنا، محمدرضا شیرزادی گفت: «۲۵ مورد ابتلا به این بیماری در سال جاری گزارش شده اما به نظر می‌رسد تعداد مبتلایان بیشتر باشد.» او با بیان اینکه «لیشمانیوز» یا «سالک»، یک بیماری انگلی است و دو نوع از این بیماری در کشور وجود دارد، گفت: «بیماری سالک با گزش «پشه خاکی» از منابع این بیماری یعنی «موش‌های صحرایی» و «بیماران مبتلا به سالک» به انسان‌ها منتقل می‌شود. موش‌های صحرایی، یکی از مخازن سالک هستند و انگل از بدن آنها با گزش پشه خاکی به انسان منتقل می‌شود.» شیرزادی ادامه داد: «علاوه بر موش‌های صحرایی، بیماران مبتلا به سالک نیز می‌توانند بیماری را به فرد دیگر منتقل کنند. اگر پشه خاکی محل زخم فرد مبتلا به سالک را بگززد، با گزش فرد سالم، بیماری را به او نیز منتقل می‌کند.»



### کاهش فونی‌های تصادفات

معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری کل استان تهران، از کاهش ۱۴ درصدی فونی‌های ناشی از تصادفات شهر تهران در نیمه اول سال ۱۴۰۳ خبر داد. ابوالفضل نیکوکار با بیان اینکه یکی از شایع‌ترین حوادث و سوانح، تصادفات جاده‌ای و ترافیکی است که سالانه جان بسیاری از مردم را در جهان به خطر می‌اندازد، گفت: «در ایران روزانه تعداد زیادی بر اثر حوادث رانندگی جان خود را از دست می‌دهند و اولین و اساسی‌ترین گام در پیشگیری و کنترل حوادث جاده‌ای، شناسایی و ارزیابی مشکلات و ترسیم دقیق وضعیت موجود است.» او ادامه داد: «در شهر تهران به‌طور میانگین ۲۰ میلیون سفر روزانه اتفاق می‌افتد که هفت درصد جابه‌جایی با موتورسیکلت انجام می‌شود و از این تعداد سفر ۱۰ درصد مربوط به مترو است و از این آمار می‌توان به حجم زیاد حمل‌ونقل با موتورسیکلت و گسترش روزافزون استفاده از آن پی برد.»

# زنان کولبر در تقاطع رنج

## روایتی از زندگی زنان کولبر در میان پژوهش‌های اجتماعی ایران



سارا سبزی  
خبرنگار گروه جامعه

«یکی از زنان کولبری که با آنها صحبت کردم، ۴۷ ساله بود که خودش و همسرش هردو کولبر بودند و در این راه پایش شکسته بود و حتی پول عملش را هم نداشت. برای جابه‌جایی هر کالاه، ۱۰۰ هزار تومان می‌گرفت و حجم بار تفاوتی در دستمزد آن نداشت. زن دیگری، ۵۵ ساله بود که سه پسر بیکار و تحصیلکرده داشت و همسرش در مغازه کنار خودش کار می‌کرد. آنها مغازه‌ای دارند که به غیر از محصولات سوپرمارکتی، وسایلی که از عراق می‌آورد را همانجا می‌فروشند. زن دیگری می‌گفت، از زمان جنگ ایران و عراق کولبری را شروع کرده بود و پنج فرزند داشت و همسرش را از دست داده بود.» این چند روایت واقعی از زنان کولبر پنج منطقه کردنشین ایران است که زندگی‌شان در یک پژوهش مردم‌نگارانه بررسی شده است؛ زنانی که سهم زیادی در میان پژوهش‌ها ندارند و به سختی تصویری واقعی از هویت سیاسی و اجتماعی آنها به دست می‌آید.

**زنانی که با آنها صحبت شد انواع فرودستی‌ها را تجربه کرده بودند. از طبقه اقتصادی پایین بودند و همسرشان یا فوت شده بود یا بیمار بود یا هم همسر، هم فرزندشان بیکار بودند و خودشان سرپرستی خانوار را برعهده داشتند و هم‌زمان کار می‌کردند.**

### کولبری در تقاطع جنسیت

استان‌های غربی ایران در میان رده‌های بالای نرخ بیکاری در ایران قرار دارند و طبق آخرین گزارش مرکز آمار درباره نتایج طرح آمارگیری نیروی کار که تیرماه امسال

منتشر شد، استان سیستان و بلوچستان با نرخ بیکاری ۱۲/۳ درصدی همچنان بیشترین نرخ بیکاران را در بین استان‌های دیگر داراست. استان‌های کرمانشاه و لرستان هم با نرخ بیکاری به ترتیب ۱۲ درصد و ۱۱/۳ درصدی، در رده‌های دوم و سوم استان‌ها با بیشترین بیکاری قرار گرفته‌اند. دو استان خوزستان با ۱۱ درصد و کرمان با ۱۰/۹ درصد نیز دیگر استان‌هایی هستند که نرخ بیکاری دورقمی دارند.

یکی از پژوهش‌هایی که بر موضوع حوزه کولبری زنان متمرکز شده، توسط سارا نوری، کارشناس ارشد مطالعات فرهنگی انجام شده که به‌تازگی در نشست «کولبری در تقاطع قومیت، جنسیت و طبقه» جزئیات بیشتری از آن مطرح شد. او در مشاهدات خود روایت تازه‌ای از شرایط زندگی زنان کولبر و محیط زندگی آنها به دست آورده است. روستاهای کردنشینی که در آنها با زنان کولبر صحبت کرده اکثراً کوچکند و جمعیت کمی دارند: «تا چشم کار می‌کند انبار و باغ است و اکثر مغازه‌های پایین خانه‌ها به انبار تبدیل شده‌اند. برخی دامداری می‌کنند و برخی گیوه می‌بافند که بیشتر آنها زنند. این کار باز هم دستمزد ناچیزی برایشان دارد و در طولانی‌مدت دچار برخی بیماری‌های مفصلی می‌شوند. نبود شغل در کردستان وضعیتی را شکل داده و امکان کارگری هم چندان در دسترس نیست؛ به همین دلیل بسیاری از آنها برای کار به عراق می‌رفتند و به‌عنوان کارگر فصلی در این کشور کار می‌کردند. برخی راهی کلانشهرهایی مانند تهران و بندرعباس می‌شدند و دوباره جدایی از خانواده رخ می‌داد و باز هم این امکان همچنان برای مردان وجود داشت و زنان فرصت آن را نداشتند.»

نوری در پژوهش خود جزئیات بیشتری درباره نوع مبادلات کولبری زنان به دست آورده است که طبق آن در این مرزها نوعی مبادلات روزانه شکل می‌گیرد که سه نوع دارد: یکی جابه‌جایی جنس‌ها با کولبران، نوع دیگر با حیوانات و نوع سوم هم با ماشین‌های سواری یا باری است. در این پژوهش هم زنان کولبر بودند، هم انباردار و هم آنهایی که با ماشین کار جابه‌جایی جنس انجام می‌دهند.

فرم این کولبری در مناطق مختلف متفاوت است. تا اوایل دهه ۹۰ شمسی، به‌دلیل پایین بودن ارزش دینار بسیاری از اجناس از عراق به ایران ارزان‌تر به دست مصرف‌کننده می‌رسید و بعد از افزایش تورم و سیاست‌های سختگیرانه‌ای درباره کولبران و کاهش ارزش پول ملی، مواد خوراکی و سوخت بیشتر از ایران به عراق می‌رود و زنان کولبر می‌توانند در عراق یک بسته نان را با پول بیشتری نسبت به ایران بفروشند و سود بیشتری هم برای ساکنان عراقی دارد.

### احساس هویت مشترک

اما چه زمینه‌ای در مرزهای غربی وجود دارد که زمینه کولبری را فراهم می‌کند؟ مطالعات نوری نشان می‌دهد قیل از اینکه سیاست‌های سخت مرزی بین مرز ایران، عراق و کردستان عراق اتفاق بیفتد، ساکنان آن همدیگر را به‌دلیل داشتن زبان، هویت و مذهب مشترک خود را یک جغرافیای واحد می‌دانستند و در دوران جنگ ایران و عراق افراد زیادی به‌دلیل آوارگی و جنگ بین این دو کشور جابه‌جا شده بودند و پیوندهای خانوادگی و دوستی شکل گرفته بود. هم‌زمان بودن و گرد بودن باعث شده بود که آنها عمیق‌تر شوند و خود را جزو جغرافیای واحد کردستان بدانند.

### کولبری از سن ۱۵ سالگی

یکی از زنانی که در این پژوهش با او گفت‌وگو شده، ۶۸ ساله بود و ۹ فرزند داشت و به‌دلیل وضعیت معیشتی نامناسب، خودش ترجیح داده بود که کولبری را شروع کند. در این مسیر دو نفر از فرزندان دختر هم همراه او بودند که یکی از آنها زمانی که فرزند نوزاد داشته در مسیرهای پر برف با او کار می‌کرد. دختر دیگرش از سن ۱۵ سالگی، چهارسال در این مسیر کولبری کرده بود. مثل دختران ۱۵ ساله دیگری بودند که همراه مادران‌شان کولبری می‌کردند.

نوری می‌گوید، این زن شش‌بار پایش را عمل کرده بود، دیسک کمر داشت و بیماری‌های دیگری هم به‌دلیل کولبری دچارش شده بود. چند سال آخر، کولبری را کنار گذاشته بود و با چند زن دیگر انبارداری را شروع کرده بودند. زن‌های عراقی هم که در زمان جنگ به ایران آمده بودند و آواره شده بودند، با آنها کولبری می‌کردند: «از دل این روایت‌ها به دو مضمون می‌توان رسید: یکی این‌که این کار دردهای جسمانی زیادی برای این زنان به‌دنبال دارد و مضمون دوم هم این است که بسیاری از اجناسی که کولبران می‌آورند، برای تجارت نیست و اجناس تجارتمحسوب نمی‌شود؛ کالاهایی مانند نان، خوراکی و مواد اولیه. این مردم عراقند که به کولبران می‌گویند سوپ محلی یا سبزی و کالاهای اولیه دیگر به این منطقه بیایند؛ چون این اقلام در کردستان ایران کیفیت بالاتری دارند نسبت به کردستان عراق و برای آنها هزینه کمتری دارد. جابه‌جا کردن خوراکی‌ها هم در بازه‌های زمانی مختلف، متفاوت بوده است.»

زنانی که با آنها در این پژوهش صحبت شد انواع فرودستی‌ها را تجربه کرده بودند. از طبقه اقتصادی پایین بودند و همسرشان یا فوت شده بود یا بیمار بود یا هم همسر، هم فرزندشان بیکار بودند و خودشان سرپرستی خانوار را برعهده داشتند و هم‌زمان کار می‌کردند. «بخش دیگری از فرودستی در اقلیت قومی و مذهبی بودن آنها خودش را نشان می‌داد؛ این زنان سطح تحصیلات پایینی دارند یا کلاً بی‌سوادند اما تلاش کردند فرزندان‌شان تحصیل

